

لینکلن / اسپیلبرگ و یک درام تاریخی دیگر

درام تاریخی لینکلن پیشتاز نامزدهای اسکار 2013 است. فیلمی که در 12 بخش نامزد شده و شانس بسیاری برای تصاحب حداقل نیمی از آن ها را داراست.



اسکار 85 / نامزدهای بهترین فیلم سال لینکلن / اسپیلبرگ و یک درام تاریخی دیگر

درام تاریخی لینکلن پیشتاز نامزدهای اسکار 2013 است. فیلمی که در 12 بخش نامزد شده و شانس بسیاری برای تصاحب حداقل نیمی از آن ها را داراست.

ضمن اینکه تنها فیلمی در این دوره اسکار هست که مجموع عوامل ساختش چه بازیگران و چه عوامل پشت دوربین حداقل هرکدام سابقه یکبار بردن جایزه اسکار را دارند.

لینکلن بیش از اینکه یک فیلم جهانی باشد یک داستان درون ملی و روایت 4 ماه پایانی زندگی آبراهام لینکلن شانزدهمین رئیس جمهور تاریخ آمریکا است. فیلم براساس نوولی نوشته دوریس کرن گودوین به نام تیم رقبا: نبوغ سیاسی آبراهام لینکلن ساخته شده است و اساس فیلم همت و پشتکار آبراهام لینکلن و تیم سیاسی‌اش برای تصویب لایحه منع برده داری در آمریکا را نشان می‌دهد.

سکانس افتتاحیه مربوط با یک صحنه از جنگ داخلی آمریکا است و کمی تا قسمتی با سکانس افتتاحیه نجات سرباز رایان شباهت دارد. اما نباید اشتباه کنیم که فیلم لینکلن اصلا یک فیلم جنگی نیست و عمده داستان روایت‌های سیاسی را در بر می‌گیرد.

از این رو در طی شکل‌گیری داستانک‌های اصلی با شخصیت‌های تاریخی سنا و مجلس آمریکا در سال 1865 و همچنین اعضای کلیدی کابینه اول لینکلن روبرو می‌شویم. کاراکترهایی واقعی که احتمالا شاید خود آمریکایی‌ها نیز با تمام آنها زیاد آشنا نباشند. به ویژه اینکه برخی از این شخصیت‌ها نظیر ویلیام سوارد، وزیر کشور کابینه اول آبراهام لینکلن (با بازی دیوید استراتن) و هم چنین تادوس استیونس لیدر تندروی حزب جمهوری خواه در مجلس نمایندگان (با بازی تامی لی جونز) نقش‌های کلیدی در فیلم دارند.

فیلمنامه‌ای که تونی کاشنر برای اسپیلبرگ نگاشته نیز اگرچه شروع و اختتامش بر جنگ داخلی آمریکا تمرکز دارد اما هسته اصلی ماجرا همان 4 ماه پایانی زندگی لینکلن و درگیری و چالش‌های بسیار سخت وی برای به تصویب رسانیدن متمم سیزدهم قانون اساسی آمریکاست که منجر به لغو برده داری می‌گردد. بنابراین نحوه انتخاب شدن لینکلن برای دوره دوم ریاست جمهوری‌اش و هم چنین اتفاقات درونی جنگ داخلی آمریکا آنچنان در فیلم نمود ندارد و عمده داستان بین لابی‌ها و جلسات درونی لینکلن و رقابیش در خفا و یا در صحن علنی مجلس پیگیری می‌شود. روندی که برای بیننده غیر آمریکایی کمی تا قسمتی طولانی، نامفهوم و گسسته ممکن است جلوه‌گری کند.

با این همه لینکلن اسپیلبرگ دارای فاکتورهایی است که این فیلم را در زمره آثار خوش ساخت درام‌های تاریخی و یا بیوگرافیکال قرار می‌دهد. فیلمبرداری با شکوه یانوش کامینسکی و بازی‌های فیلم‌کلید اصلی و برگ برنده اسپیلبرگ هستند. فیلمنامه متمرکز کاشنر نیز (علیرغم تمام ایراداتی که در بالا ذکر شد) برای آمریکایی‌ها داستانی جذاب را ساخته و پرداخته کرده که با بهترین نوع بازی به تصویر کشیده شده‌اند. به این‌ها فاکتورهایی دیگری مانند موسیقی ویلیامز و طراحی صحنه را نیز اضافه کنید. تمام اینها در کنار مدیریت اسپیلبرگ توانسته از لینکلن فیلمی بسازد که خوش ساخت از کار درآمده باشد.

و شاید دلیل این خوش ساختی نهایتا به دو عاملی بر می‌گردد که اسپیلبرگ در ساخت لینکلن از ارائه آنها پرهیز کرد بود: اول پرهیز از جملات خسته کننده و جلسات سخنرانی‌های زیاد و دوم پرهیز از ساخت یک سکانس پایانی فانتزی.

درباره مورد اول ذکر این نکته ضروری است که یک رئیس جمهور قرن نوزدهمی آنها در ایالات متحده آمریکا باید سخنوری کند و یک سخنران خوب به حساب بیاید. اگر قرار بر این می‌شد که تمام سخنرانی‌های مشهور لینکلن در فیلم به تصویر کشیده می‌شد باید فاتحه فیلم را می‌خواندیم.

اسپیلبرگ با تیزهوشی از این کار صرف نظر کرد و اگر فیلم را دیده باشید حتما دریافتید که از لینکلن فقط یک سخنرانی نصفه و نیمه

داریم. در واقع مهم‌ترین سخنرانی لینکلن در فیلم؛ همان سخنرانی چند خطی در مراسم سوگند دومین دوره ریاست جمهوری او است. به وجهی که قبل از اکران بسیاری از منتقدان آمریکایی تصور می‌کردند که حتماً یک سکانس طولانی در فیلم وجود دارد که مربوط به سخنرانی مهم آبراهام لینکلن معروف به سخنرانی گتسبرگ است؛ یک مجمع عظیم و به نوعی مهم‌ترین سخنرانی لینکلن در تاریخ. اما می‌بینیم که از این خبرها نیست و عمده نظریات لینکلن در قالب دیالوگ و گفتگوهایش با اطرافیان پردازش و پرداخت گردیده است.

در مورد دوم و سکانس پایانی فیلم در مورد نحوه قتل لینکلن نیز تیزهوشی اسپیلبرگ باعث شد تا فیلمش همچنان یک روایت زنده و تاریخی نام بگیرد و نه یک فیلم مدح گرایانه و اشک برانگیز. اساس داستان وقتی فقط بر تصویب متمم سیزدهم قانون اساسی آمریکا است و این کار نیز طی روندی پر رمز و راز به تصویر کشیده می‌شود، دیگر هرچه به فیلم اضافه می‌شد کارکرد اصلی را خدشه دار می‌کرد. حتی اگر این روند اضافه، نحوه مرگ لینکلن می‌بود.

ذکر این نکته نیز بی‌اهمیت نیست که پروژه لینکلن از 12 سال پیش کلید خورد. حتی پیش از اینکه در سال 2005 نوبل 950 صفحه ای دوریس کرن گودوین با نام تیم رقبا: نبوغ سیاسی به بازار نشر راه یابد.

در واقع بعد از پروژه نجات سرباز رایان در 1998 بود که اسپیلبرگ سرانجام اعلام کرد قصد دارد در باره لینکلن فیلمی متفاوت از کارهای قبلی بسازد. گودوین به اسپیلبرگ اعلام کرد که در حال تحقیق و نگارش در باره لینکلن است. به ویژه در باره 4 ماه پایانی زندگی او و تصویب لغو قانون برده داری در آمریکا.

در طی این فاصله طولانی تا سال 2011 بارها عوامل عوض شدند و بازیگران نقش اول جابجا گردیدند تا سرانجام دنیل دی لوئیس برای ایفای نقش آبراهام لینکلن و سالی فیلد برای ایفای نقش مری تاد لینکلن حضورشان قطعی اعلام شد.

Lincoln

کارگردان: استیون اسپیلبرگ

تهیه کننده: استیون اسپیلبرگ و کاتلین کندی

فیلمنامه: تونی کاشنر بر اساس نوبل تیم رقبا: نبوغ سیاسی آبراهام لینکلن نوشته دوریس کرن گودوین

موسیقی: جان ویلیامز

فیلمبرداری: یانوش کامینسکی

تدوین: مایکل کان

کمپانی پخش کننده: دریم ورکز

محصول آمریکا 2012

اکران: 9 نوامبر 2012

زمان فیلم: 150 دقیقه

بودجه: 65 میلیون دلار

فروش: 221 میلیون دلار

بازیگران: دنیل دی لوئیس (آبراهام لینکلن)، سالی فیلد (مری تاد لینکلن)، تامی لی جونز (تادوس استیونز)، دیوید استراتن، هال هالبروک (فرانسیس پرستون بلیر)

فیلم لینکلن در اسکار 2013 در 12 بخش نامزد دریافت جایزه شده است:

- بهترین فیلم سال: استیون اسپیلبرگ و کاتلین کندی

- بهترین کارگردانی: استیون اسپیلبرگ

- بهترین بازیگر نقش اول مرد: دنیل دی لوئیس برای نقش آبراهام لینکلن

- بهترین بازیگر نقش دوم مرد: تامی لی جونز برای نقش تاداس استیونس

- بهترین بازیگر نقش دوم زن: سالی فیلد برای نقش مری تاد لینکلن

- بهترین فیلمنامه اقتباسی: تونی کاشنر

- بهترین موسیقی: جان ویلیامز

- بهترین صداپردازی: اندی نلسون، گری ریدستروم و رونالد جاکینز

- بهترین طراحی صحنه: ریک کارتر و جیم اریکسون

- بهترین فیلمبرداری: یانوش کامینسکی

- بهترین طراحی لباس: جووانا جانستون

- بهترین تدوین: مایکل کان